**( 193 )**

**هو الله**

ای عندلیب گلشن معانی نامه‌ئیکه بعد از رجوع از سروستان مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید از عدم فرصت مختصر جواب مرقوم میشود الحمد لله یاران سروستان الفتی یافتند امیدوارم که دیگر کلفتی حصول نیابد یاران باید سبب اتحاد ملل و قبائل من علی الأرض شوند البته خود باید متحد باشند تا دیگران را متحد کنند شمع خاموش شمعهای دیگر روشن نکند شخص بیهوش دیگران را علم و دانش نیاموزد پس باید یاران اول مابین خویش بکلی بیگانگی براندازند و یگانگی عالم انسانی را ثابت نمایند از قبل من جمیع را تحیت ابدع ابهی برسان امیدم چنان است که جناب آقا حیدر علی صفدر گردد و غضنفری بنماید تا دلها برباید قصیده‌ئیکه در تهنیت عید رضوان انشا فرموده بودید انشاد شد و در محفل یاران ترتیل گشت حضرت بشیر الهی فی الحقیقه خادم صادق و یار موافق است در حق کل قصور نمینماید الآن در دبلین هستم و شب و روز مشغول ندآء بنور مبین انجمنهای خوش تشکیل میشود و نفوس مهم قابل لائقی حاضر میشوند در هر محفل در بدایت صحبتی از امر الله میشود بعد هر کس سؤالی دارد جواب داده میشود از جمله دیروز سؤال از حقیت حضرت رسول علیه السلام بود زیرا آنحضرت در این صفحات بنهایت توهین ذکر میشدند و مفتریات بسیاربود در هزلیات ضرب المثل بودند آن نور پاک را قسیسهای این خاک چنان نکوهش نموده‌اند که جز قوه روح القدس این اوهامات را زائل ننماید باری دیروز صحبت مفصلی در اثبات آنحضرت و قوه کلمه و نفوذ کلیه او گردید و براهین واضحه و دلائل ساطعه بیان گشت و علیک البهآء الأبهی (ع ع)